

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرانقدر و آرزوی قبولی طاعات و شب زنده داری هایتان. استاد سوالی از محضر شما بزرگوار داشتم که دوست دارم در فضایی دوستانه پاسخ را بدهید و خدایی ناکرده از من نرجید. استاد، من چند روز پیش سوالی از شما پرسیدم در خصوص سیاست خارجی کشورمان(سوال ۲۲۲۶) که شما هم زحمت کشیدید و پاسخ دادید. استاد من سه سالی است با ایده‌ها و آثار و اندیشه‌های شما آشنا هستم و هرکس را که ببینم اندک گرایشی به مذهب دارد شما و سیاق شما و آثارتان را به عنوان نمونه ای جامع و همه سونگر از دین و عرفان معرفی می‌کنم و ارادت ویژه ای به شما دارم. اما استاد پاسخ این سوال در خصوص میانمار و ..(۲۲۲۶) را که دریافت کردم، پاسختان را با یکی از مسئولین کشوری و فعالان در عرصه بین الملل و سیاست در میان گذاشتم. ایشان با توجه به اینکه خودشان دستی بر آتش دارند، گفتند این پاسخ آقای طاهرزاده، رگه‌هایی از حقیقت را دارد اما مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد مسائل بین المللی اعم از فلسطین، چین، میانمار و ... بیشتر از آنکه رسالتی و دینی باشد، سیاسی است. مثلا ما چون مجبوریم با روسیه روابط خوبی داشته باشیم، مسائل چین را چندان حائزاهمیت نمیدانیم و از اعلام نظر صحیح می‌پرهیزیم. اما مثلا در قبال سوریه سریعا واکنش نشان می‌دهیم. البته ایشان، یادآور شدند که احتمالا بین وظایف سیاسی ما و رسالتی مان رابطه ای هست، اما بیشتر سیاسی است و... استاد من به حرفهای شما، جوابهای شما ایمان داشتم. راستش من قبلا دین را دوست داشتم اما از جهات مختلف عملکرد جمهوری اسلامی را نقد می‌کردم(البته ولایت فقیه را قبول داشتم و دارم)، به خاطر دیدگاههای شما احساس کردم دیدگاهم خوب شد، اما الان فکر می‌کنم شما در برخی موارد صرفا دفاع می‌کنید و اصل را بر دفاع قرار می‌دهید و نه بر شفاف سازی. استاد همون مسئول کشوری که خدمتتان عرض کردم خودشان را از سربازان نظام دانسته و ولایی هستند و حتی عنوان کردند مقام معظم رهبری در تمام عرصه‌ها تنهاست، منظورم این است که ایشان دیدگاه معاندانه ای در بیان این نقد نسبت به پاسخ شما نداشتند و صرفا آنچه را دیده بودند طرح کردند. استاد سوال من این است، شما بر اساس چه مستنداتی سیاست ایران را در عرصه بین الملل مورد تائید قرار می‌دهید؟ استاد راستش برای من مهم است که بفهمم شما ساده‌انگارانه به قضایا نگاه نمی‌کنید، بعد فکر می‌کنم نکند نسبت به تمام مسائل دینی هم همینطور برخورد دارید و من هم که از حرف شما تبعیت می‌کنم به همان مسیر می‌روم؟ یا نکند شما صرفا برای اینکه آبروی نظام را حفظ کنید اینگونه دفاع می‌کنید؟ که این برایم سخت تر است و به قول آن نویسنده که می‌گوید: ناراحتی من از این نیست که تو به من دروغ گفته‌ای، از این است که دیگر نمی‌

توانم تو را باور کنم... استاد دلم نمیخواهد باورهایم نسبت به شما فرو بریزد، خدا می داند چقدر وجود شما، اندیشه های شما، دیدگاههای شما در زندگیم برکت آفرید... سپاسگزارم

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ۱- مبانی بنده در رابطه موضع گیری های وزارت امور خارجه در مسائل بین المللی مبتنی بر نظرات مقام معظم رهبری است و سعی می کنم با دقت هرچه بیشتر گوهر و مغز سخن ایشان را در این مورد پیدا کنم به همین جهت تعجب کردم که می فرمایید آن آقایی که از مسائل بین المللی آگاهی دارند گفته اند «مواضع جمهوری اسلامی در مورد مسائل بین المللی بیش از آن که رسالتی و دینی باشد سیاسی است و چون مجبوریم با روسیه روابط خوبی داشته باشیم مسائل چچن را چندان حائز اهمیت نمی دانیم اما در مقابل سوریه سریعاً واکنش نشان می دهیم» نمی دانم سخنان مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۰ را در حرم امام خمینی رضوان الله علیه در رابطه با سوریه شنیده اند یا نه که ایشان یک سوم سخنان خود را در رابطه با موضوع سوریه گذاشتند و مواضع ضد اسرائیلی بودن سوریه و حاکمیتی که در آن کشور دست نشانده ای اجنبی نیست را از آن مهم تر دانستند. آیا عزیز ما متوجه نیستند استکبار جهانی به کمک ارتجاع عرب و دولت سکولار ترکیه بنا دارند با حذف بشاراسد از نظام سیاسی سوریه نقشه ی خاور میانه ی جدیدی را شکل دهند که روش ترکیه به جای روش ایران مد نظر حرکت های منطقه قرارگیرد و به کلی ایران به عنوان یک الگو از منطقه حذف شود. آیا باید به چچن هم همانند سوریه حساسیت نشان دهیم؟ نمی دانم مواضع رهبری معظم در جمع دانشجویان در ماه رمضان گذشته و امسال در رابطه با وزارت امور خارجه را دنبال فرموده اند که در سال گذشته مستقیماً در مقابل انتقاد یکی از دانشجویان از وزارت امور خارجه دفاع کردند و امسال فرمودند نباید گمان شود با مواضع آرمانی که نظام اسلامی دارد، وزارت امور خارجه باید از عرف دیپلماتیک خود دست بردارد. ۲- تعجب بیشتر بنده از سخن جناب عالی بود که می فرمایید نکند نسبت به مسائل دینی هم ساده انگارانه نگاه می شود در حالی که تلاش بنده همیشه این بوده است که عقل عزیزان را مورد خطاب قراردهم تا شما با عقلتان موضوعات را تجزیه و تحلیل کنید و خدای نا کرده رابطه ی مرید و مرادی پیش نیاید و انتظار دارم شما هم با عقلتان با موضوعات مطرح شده برخورد کنید و آنجایی که موضوعات با مبانی عقلی تقابل داشت، نه تنها نپذیرید و تبعیت نکنید بلکه با همان عقل خدادادی انتقاد کنید. موفق باشید.